

## زنان دربار در جنگ جهانی دوم

○ منصور خلیج

۵۷

در هر دو جنگ جهانی (۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق و ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش) سرزمین و ملت ایران به رغم اعلام بی‌طرفی، بیشترین آسیبها را از آتش و دود جنگ متحمل شدند. به گونه‌ای که در زمان جنگها، نه از سنگینی چکمه‌های سربازان متخاصم نفس راحتی می‌توانست بکشد و نه پس از آن از فشارهای نه‌چندان غیرمستقیم دولتهای استعمارگر و جنگ‌خواه قد توانست راست کند؛ همواره نیم‌قد و رنجور تاوان سنگین تمامیت‌خواهیهای متحدین و متفقین را پرداخت که البته در این باره از عوامل درونی هم نباید غافل ماند. هر چند نه در بروز حوادث پیرامونی جنگ دخالتی داشت و نه از عواید آن سودی می‌برد. پیدایی انواع بحرانها و امراض طاقت‌فرسا و گاه کشنده، شکنندگی و لرزانی پایه‌های اقتصاد بارزترین و ملموس‌ترین نتایج این‌گونه جنگها بود که پس از خود در ایران عزیز به جا می‌گذاشت. اگر از همه همانندگیهای تأثیرات و پیامدهای دو جنگ مزبور در ایران چشم پوشیم به ناچار جنگ دوم پیامد اثرگذار دیگری در آن نهاد که بر آثار جنگ پیشین خود افزونی داشت و آن دخالت آشکار در حکومت و تغییر در صورت سلطنتی ایران بود که رضاشاه را مستعفی و از ایران اخراج کرد و به جای او، پسرش، محمدرضا پهلوی، را به سلطنت نشاناد. رضاشاه برخلاف آن‌گونه که به سلطنت رسیده بود خیلی زود و سریع خاک ایران را ترک گفت. او راه تبعیدگاهش را از مسیر جنوب ایران در پیش گرفت و پس از گذر از چند کشور سرانجام در ژوهانسبورگ (در آفریقای جنوبی) به انتظار گذر روزهای پایانی عمرش نشست.

محمدرضای پسر او که در سایه تدابیر و پشتیبانی‌های انگلیسیان و دیگر دول متفق به جای پدر نشست در مدیریت بحرانه‌ها و اوضاع نابسامان - که هنگام جنگ جهانی دخالت‌های گه‌ان و ناگهان استعمارگران پیرو دولتهای فزون‌خواه گلوی ایران را می‌فشرد - بی‌تجربه و ناتوان و رشته امور را از دست وانهاده بود؛ سیستم جیره‌بندی که از اواسط آبان ۱۳۲۰ به اجرا درآمد و نان و قند و شکر و چای و سایر خواربار روزانه مردم به صورت کوپنی توزیع شد، غارته‌ها و آزار راهزنان و اشرار در برخی از نقاط کشور از جمله کردستان، قطع روابط با برخی از کشورها مانند فرانسه، تغییرات پیاپی در هیأت وزیران و روی کار آمدن دولتها پس از دیگری در زمان کوتاه، اعتصابات هم‌چون اعتصاب مهندسين و استادان برخی از دانشگاهها و اعتصاب خطوط اتوبوس‌رانی، بحران نان که از اوایل سال ۱۳۲۱ش آغاز و پس از چند ماه در اواسط همین سال به اوج خود رسید، برقراری فرمانداری نظامی در چند شهر، کمیابی وسایط نقلیه که دولت دستور داد به جای وسایل موتوری سازمانها و اداره‌ها از گاری، دوچرخه، شتر و الاغ استفاده کنند، توقیف و زندانی کردن برخی از رجال سیاسی و افسران نظامی و کارکنان بنگاه راه‌آهن دولتی و روزنامه‌نگاران توسط قوای متفقین به اتهام همکاری با آلمانیها، و نهایتاً اعلام جنگ ایران با دولت آلمان در اواسط شهریور ۱۳۲۲ - که البته مقدمات آن بیش از این پیش نرفت - همه نمونه‌هایی از بحرانه‌ها و نابسامانیهای پیش آمده در یکی دو سال آغازین سلطنت محمدرضای پهلوی است که مملکت را به یک کشور مستعمره و چه بسا به نابودی می‌کشاند. در چنین اوضاع اسفبار، می‌باید دربار حاکم بیشترین مسئولیت را در زدودن این بحرانه‌ها به گردن می‌گرفت، که البته پذیرش چنین مسئولیتی احساسی را نیاز دارد که در شریان تمام اجزا و اعضای آن جاری بوده باشد تا در سایه همکاریها و کوششهای همگانی، نابسامانیها به بسامان و آبادانی بازگردد.

اما اندرون دربار شاه نه تنها از پذیرش چنین مسئولیتها شانه خالی می‌کرد بلکه هنگام بحرانه‌ها در جهتی قدم برمی‌نهاد که به نوعی بیگانه‌پنداری در درون دربار را به رخ می‌کشاند و با رفتارهای غیرضروری و هزینه‌زا بر روح و جسم جامعه رنجور سوهان می‌ساخت. همین گریز از زیر بار اصلی‌ترین وظیفه بر وخامت اوضاع کشور افزود و روح و جان ملت را آزرده؛ به جای پایین آوردن هزینه‌ها و مخارج، تدبیراندیشی و بهره‌گیری از نعمت صرفه‌جویی، مخارجی را بر اندوخته دربار تحمیل نمود که نه تولیدی و سودزایی، بلکه مصرفی و زیان‌باری، اصلی‌ترین و نخستین خصیصه آن بود. البته داشتن همین خصیصه از یک سو، و احساس بیگانگی میان اندرون دربار با اغلب قشرهای اجتماع از سوی دیگر مملکت را به پرتگاه هلاکت و نابودی سوق می‌داد.

از جمله این مخارج غیرضروری سفرهای اندرونی دربار به خارج از کشور است که در سالهای نخست سلطنت محمدرضای پهلوی چندین بار توسط تعدادی از زنان دربار انجام گرفت.

آنان به بهانه‌های مختلف راه کشورهای خارجی را در پیش گرفته، هنگام بازگشت نیز لوازم متنوع و تجملاتی را همراه خود می‌آوردند، در حالی که هنوز آتش جنگ در نقاط و مسیرهای سفرشان روشن بود و جانها می‌گرفت. علاوه بر این کشور ایران زیر فشارهای گونه‌گون دول متخاصم به سختی نفس می‌کشید. در چنین وضعیتی که دستگاههای اجرایی و اداری می‌بایست برای مقابله با بحرانها و خطرات و جلوگیری از وقایع ناگوار بسیج می‌شدند وقت، هزینه و توان خود را صرف اموری کردند که جز هدر دادن فرصتها نتیجه دیگری در پی نداشت.

در این میان اسناد و خاطراتی به جا مانده است که ضمن پرداختن به چگونگی انجام شدن مسافرتها در آن چند سال بحرانی و نابسامانی، به وسایل غیرضروری در این سفرها اشاره می‌کند که توسط زنان اندرونی و یا وابستگان دربار پهلوی خریداری شده، سفارتخانه‌ها و دیگر ادارات تابعه نیز بر اساس احکام صادره، مأموریت داشتند آنها را در شرایط خطرناک جنگی به ایران منتقل نمایند.

همسر و دو خواهر محمدرضا شاه از جمله همین اندرونیها هستند که در فاصله یکی - دو سال پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ با در دست گرفتن بهانه‌هایی به سفرهای خارج از ایران رفتند؛ فوزیه خواهر ملک فاروق مصر، که عنوان «ملکه ایران» را هم همراه داشت در فاصله ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ش که از محمدرضا پهلوی طلاق گرفت و یکبارہ از ایران رفت، مسافرتها متعددی را به وطن اصلی‌اش انجام داد. او که در این سالها چندان رضایتی به ملکه ایران بودن نمی‌نمود و بیشتر هوای قاهره را در سر می‌پروراند، مدتی بود از همسرش نیز کناره‌گیری نموده، چندان به شاه اعتنا نمی‌کرد. افزون بر این، روابطش با دو خواهر نزدیک شاه، شمس و اشرف، هم به هم خورده بود. رنگ و رویش روز به روز به زردی می‌گرایید. به طوری که برخی از پزشکان علایم بیماری مالاریا در چشم او یافته بودند. دارو می‌خورد و مرتباً از سر درد می‌نالید.<sup>۲</sup>

### فوزیه

در این سالها چند بار به مصر رفت و بازگشت که می‌توان دلیل این رفت و آمدها را در اوضاع نابهنجار روحی، خستگی و بیماری روانی، برخی ناملایمتهای دربار و به همراه شوق و ذوق دیدار خانواده‌اش در قاهره جستجو کرد، که گاه این تلاطم روحی، خود او را نیز به سوی نابهنجاریهای اخلاقی کشاند و اخباری را در اندرون دربار از دهانی به دهان دیگر می‌چرخاند.<sup>۳</sup>

گذشته از تعدد مسافرتها فوزیه در این سالها، عناوین و تنوع سفارتهایی که دربار و دفتر مخصوص شاهنشاهی مطابق دستورات صادر شده، اقدام به خرید یا تهیه آنها می‌نمود، درخور توجه است. از نامه‌ها و تلگرافهای رمزی که در طول یک سال شمسی (۱۳۲۲) میان سفارتخانه‌های ایران در قاهره و بغداد، وزارت دربار و دفاتر مخصوص علیاحضرت ملکه پهلوی در تهران رد

و بدل شد، پیداست که البسه و لوازم آرایشی بیشترین موضوع درخواستها را به خود اختصاص داده، بخشی از وقت و توان اداره‌ها و سفارتخانه‌های مسئول را صرف تهیه و حمل یا پی‌گیری امور مربوط به این‌گونه سفارشها به مقصد نموده است.

از آنجا که فوزیه زنی مصری بوده، بیش از هر کشوری به مصر سفر می‌کرده، سفارت ایران در قاهره نیز، که در آن هنگام بر عهده محمود جم بود، در تهیه و تدارک سفارشهای او بیش از هر اداره دیگری، درگیر این‌گونه مسائل بوده است؛ در اوایل ۱۳۲۲ش محمود جم در نامه‌ای خطاب به دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال دو بسته سفارش شده به تهران - یکی مخصوص فوزیه و دیگری متعلق به شمس پهلوی - را به اطلاع آن دفتر رساند. در ادامه نیز توجه رئیس دفتر مزبور را به هواپیما و شرایط جنگی جلب کرده، اطلاع داد که چون هواپیماهای جنگی انگلیسی بیشتر محمولات جنگی را حمل و نقل می‌کنند سفارشهای دیگر را با اولین وسیله نقلیه به تهران ارسال خواهد کرد.

۱۶ ماه مه [۱۹۴۴]/ ۲۵ اردیبهشت [۱۳۲۳] نمره ۳۶۷/۱۷۴ دفتر مخصوص شاهنشاهی

دو بسته یکی به عنوان علیاحضرت فوزیه و دیگری به اسم والاحضرت شمس توسط آقای مسعود فروغی ارسال کرده متمنی است دستور فرمایند وصول آن را اطلاع دهند. دو صندوق [ناخوانا] با دو جامه‌دان پیک‌نیک متعلق به والاحضرت عصمت پهلوی که ارسال آن را رمزاً اطلاع داده بودم. هواپیماهای انگلیسی به واسطه کثرت محمولات جنگی حمل نکرده بود تأکید شد با اولین وسیله حمل تهران نمایند.

۶۰

امضا سفیر کبیر محمود جم

جم در برخی از اوقات پارچه‌هایی را هم برای نمونه به تهران می‌فرستاد تا در صورت پسند فوزیه، سفارش لازم برای تهیه و تدارک آن انجام گیرد:

از قاهره ۲۸ ژوئن ۱۹۴۳ [۸ تیر ۱۳۲۲] ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران جناب

آقای وزیر دربار ششم ژوئن یک بسته نمونه پارچه جهت علیاحضرت فوزیه ارسال [شده] خواهشمند است تصمیم مبارک را اطلاع [داده] نمونه‌ها را فوراً ارسال دارید مطالبه می‌نمایم

۱۸۷ جم

البته هزینه خرید و تدارک البسه یا لوازم جانبی بر عهده سفارش‌دهنده بوده، به طوری که در صفحات آینده بدان اشاره خواهیم کرد، گاه برخی از آنان از بابت اشیایی که خریده، به فروشنده یا تولیدکنندگان آن اجناس بدهکار مانده، سفارتخانه یا دفاتر مخصوص به منظور وصول مطالبات اقداماتی را انجام می‌دادند. گاه نیز پیش می‌آمد که خریدار سفارش می‌کرد سفیر ایران در کشوری، قیمت اشیای خریداری شده را به طرف معامله بپردازد تا بعداً با او تسویه حساب شود. از جمله در ۱۹ آذر ۱۳۲۲ حسین علاء که وزیر دربار بود نامه زیر را به سفیر کبیر ایران در قاهره (محمود



فوزیه همسر اول محمدرضا پهلوی

جم) می فرستد و از او می خواهد که قیمت اجناس تهیه شده را پرداخت نماید:

رمز به سفارت کبری شاهنشاهی در قاهره

علیاحضرت ملکه پهلوی مقرر فرمودند که دستوراتی به خانم نخست وزیر داده اند اشیائی به ضمیمه منجوق و پولک برای لباس خریداری نمایند وجه آن را جنابعالی پرداخت و صورت [را] ارسال [کنید] تا با تمه بهای گردنبد حواله شود. اتومبیلها کی فرستاده می شود. علاء

در برخی مواقع دفتر پیشکاری علیاحضرت ملکه پهلوی (فوزیه) خود برای تهیه سفارشها و ارسال اجناس

خواسته شده به تهران دخالت می کرد. طوری که در آخرین روزهای بهمن ماه همین سال نظام الدین خواجه نوری (رئیس دفتر تشریفات وزارت امور خارجه) در نامه ای از محمود جم خواست لباسی را که فوزیه قبلاً سفارش دوخت آن را داده بود از خیاطی واصل در اسکندریه تحویل گرفته سریعاً به تهران بفرستد:

جناب آقای جم سفیر کبیر شاهنشاهی [در] قاهره

تمنی است از خیاطخانه واصل در اسکندریه لباس علیاحضرت ملکه پهلوی را گرفته با اولین طیاره به تهران ارسال فرمایند. به طوری که قبل از هفته آتیه برسد. نظام خواجه نوری

تحویل و ارسال این البسه را به تهران سفارت ایران در قاهره پیگیری کرده، در روزهای پایانی سال چند نامه ای را به تهران فرستاد که در آنها جریان و چگونگی انجام کار ارسال لباسها شرح داده می شود:

از قاهره ۲۱ فوریه ۱۹۴۴ [۴ اسفند ۱۳۲۲] جناب آقای شکوه - تهران

لباسهای دریافتی از واصل متعلق به علیاحضرت ملکه پهلوی ۲۱ فوریه به عنوان جناب آقای علاء با هواپیما فرستاده شد. جم

خواججه نوری هم ضمن درخواست ارسال لباس دیگر، یکی - دو روز بعد از آن می نویسد:

۶ اسفندماه ۱۳۲۲ خیلی فوری است

جناب آقای جم سفیر کبیر ایران - قاهره

یک دست لباس شب علیاحضرت ملکه پهلوی رسید ولی متمنی است تأکید فرمایند لباس شب سفید با شئل فوراً فرستاده شود که مورد احتیاج است. نظام خواججه نوری

انگشتر، گردن بند و رنگ مواز دیگر اجناسی است که در این سال وزارت دربار، سفارتخانه ایران در مصر و دفاتر مخصوص امور مربوط به خرید، تهیه و ارسال آنها را به تهران دنبال کرده اند. شگفتی در این است که در چنین هنگامه جهانی که بیشتر ملل و دول در جنگ یا در خطر جنگ بودند وزارت دربار و سفارتخانه های تابعه ایران به امور غیر ضروری، چون خرید و ارسال لوازم آرایشی و زینتی پرداخته، وقت و توان خود را صرف چنین کارهای غیر ضروری می کردند. در این باره بهتر است به تلگراف رمزی علا (وزیر دربار) که در ۳ فروردین ۱۳۲۲ به قاهره مخابره کرده، توجه کنیم:

۳ فروردین ۱۳۲۲ رمز به سفارت شاهنشاهی قاهره

بر حسب فرمان علیاحضرت فوراً هشت شیشه ایمدیا اریال<sup>۲</sup> رنگ سیاه و هشت شیشه دیگر رنگ آبی برای رنگ مو ارسال فرمایند. علاء

۶۲

شبهه به همین درخواست را نظام خواججه نوری از آن سفارتخانه چند ماه بعد تکرار کرد. او در ۱۸ دی ماه از جم می خواهد که یک حلقه انگشتر برلیان برای فوزیه ساخته و به تهران فرستاده شود:

۱۸ دیماه ۱۳۲۲ رمز شود - جناب آقای جم سفیر کبیر ایران - قاهره

حساب الامر علیاحضرت ملکه دستور فرمائید حلقه انگشتر مانند انگشتر برلیان نوری خانم به اندازه دست خانم ذوالقدر سنگ سه قیراط و نیم ساخته به توسط خانم سهیلی فرستاده شود.

نظام خواججه نوری

خواججه نوری در پی این تلگراف رمزی در نامه بعدی به مبلغی هم که بابت ساخت انگشتر مزبور پرداخت شده اشاره می کند:

۱۳۲۲/۱۱/۲۶ جناب آقای محمود جم سفیر کبیر ایران در قاهره

در تعقیب تلگراف سابق راجع به انگشتر سفارشی متمنی است عین انگشتری که به توسط خانم سهیلی فرستاده شده بود ساخته و مبلغ پنجاه و پنج لیره<sup>۵</sup> وجه خانم ذوالقدر را از بابت [ساخت] آن پرداخت [شد] و با ۶۰ شیشه قرص لاکتوبیل جهت علیاحضرت ملکه پهلوی تهیه و به توسط بانو زینا آقایان به تهران فرستاده شود. نظام خواججه نوری

در نامه دیگری که منوچهر ملک قاسمی، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، در ۹ بهمن ماه خطاب به وزارت دربار می نویسد به مبالغی اشاره دارد که سفارت کبرای ایران در مصر بابت خرید

یک عدد گردن‌بند و چند فقره دیگر مطالبه می‌کند.

وزارت دربار شاهنشاهی ۱۳۲۲/۱۱/۹

عین نامه سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره که مطالبه دویست لیره بابت بهای گردن‌بند علیاحضرت ملکه پهلوی و سیصد و نود و شش لیره و کسری از بابت چند فقره حساب نموده‌اند و به عرض پیشگاه مبارک رسیده است، حسب‌المقرر به پیوست ارسال می‌شود. صورت‌حسابها هم ضمیمه است. قدغن خواهید فرمود بعد از ملاحظه و اقدام لازم نامه را به صرافان بدهند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

افزون بر این، چند تلگراف رمزی دیگری هم موجود است که میان جم و دفاتر مخصوص وابسته به دربار شاهی مخابره و مقدار پولی که باید بابت سفارشهای فوزه پرداخت شود ذکر شده است. این تلگراف نامه‌ها در نیمه دوم ۱۳۲۲ش ارسال شده است، که ما به گزارش دو نمونه از آنها بسنده می‌کنیم:

از قاهره دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران

آقای نظام‌السلطان پیشکار علیاحضرت ملکه پهلوی کلیه علیاحضرت ملکه پهلوی حاضر است. بسیار خوب ساخته شده است. دو هزار و صد لیره برات نمائید. و اسناد هزینه با پست ارسال [خواهد شد]. جم

نمره ۶۶۰ - ۲۲/۷/۱۶

تاریخ خروج ۱۳۲۲/۱۰/۶

به سفارت شاهنشاهی در قاهره رمز شود

فرمودند از طرف اعلیحضرت همایونی و علیاحضرت ملکه فوزه از والا حضرت احوالپرسی کرده ابلاغ نمایند که ذات شاهانه و علیاحضرت فوزه و شهنواز و شهرام اشتیاق دیدار دارند و منتظرند از قضایای آنجا هم ذات شاهانه را مطلع فرمایند. متمنی [است] دو هزار و پانصد لیره حواله شده است. دو هزار لیره آن بابت گردن‌بند علیاحضرت ملکه پهلوی است و پانصد لیره بقیه برای ارنست فرستاده شده، به او برسانید.

گذشته از آنچه در سطور پیشین یاد شد در برخی از اسناد و تلگراف‌نامه‌ها به اجناس دیگری هم اشاره شده که دفاتر مخصوص در تهران و یا سفارتخانه‌های تابعه، موظف به تهیه و ارسال آنها بوده‌اند. از جمله آنها انواع کنسرو و مشروب است که در دو تلگراف زیر، جم چگونگی ارسال آنها را به اطلاع دفتر مخصوص شاهنشاهی در تهران می‌رساند.

از قاهره تاریخ اصل ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۳ [۲۸ تیر ۱۳۲۲] ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران

پاسخ دفتر پیشکاری علیاحضرت ملکه پهلوی

چرخ علیاحضرت با کنسرو و مشروب به وسیله راه‌آهن چهاردهم ژوئیه فرستاده شد.

خواهشمند است وصول پاکت علیاحضرت فوزیه و امانت والا حضرت شاهدخت شمس [را] که توسط وزیر مختار برزیل فرستاده شد تلگرافاً اطلاع بدهید. جم  
از قاهره تاریخ اصل ۲ اوت ۱۹۴۳ [۱۲ مرداد ۱۳۲۲] ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران

یک بسته متعلق به علیاحضرت فوزیه با هواپیما [دهم؟] فرستاده شد مطالبه کنید. مشروب و کنسرو به بصره حمل شده دستور لازم برای حمل آنها به تهران به کنسولگری صادر فرمائید. اثاثیه والا حضرت اشرف و بانو هژیر به زودی با اتومبیلها [به] تهران می آیند. جم  
در مقابل آنچه از مصر خریداری و به تهران ارسال می شد، خاویار سوغاتی ارزشمند و گرانبهای ایرانی است که محمود جم در همین سال از تهران خواسته است در هر ماه یک یا دو مرتبه یک قوطی از آن را برای ملکه نازلی (همسر ملک فاروق مصر) تهیه و به قاهره فرستاده شود.

از قاهره جناب آقای شکوه ۲۲ نوامبر [۲/۱۹۴۳/۲ آذر ۱۳۲۲]  
علیاحضرت ملکه نازلی خواهشمند است هر هفته یا ماهی دو مرتبه یک قوطی خاویار با هواپیما جهت ایشان فرستاده شود. جم

در همین باره حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، نیز بعد از انجام امور لازم و اخذ دستور از محمدرضا پهلوی خطاب به وزارت دربار می نویسد:

۱۳۲۲/۹/۳ محرمانه وزارت دربار شاهنشاهی  
بر حسب فرمان مطاع مبارک ملوکانه ابلاغ می شود قدغن فرماید پانزده روز یک مرتبه یک قوطی خاویار با هواپیما برای علیاحضرت ملکه نازلی بفرستند و نتیجه دستوری را که در این خصوص صادر خواهید فرمود به عرض پیشگاه مبارک شاهانه برسانید. از طرف رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

چند گزارش و تلگراف رمزی که میان دفاتر مخصوص، وزارت دربار و سفارت ایران در مصر رد و بدل شده جریان پیگیری و چگونگی تهیه و ارسال خاویار از تهران به قاهره برای ملکه نازلی را بیان می کند.

در آخرین نامه‌ای که در ۲۳ آذر ۱۳۲۲ از سوی رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی خطاب به وزارت دربار ارسال و به سفارت ایران در قاهره مخابره شد و ضمن اشاره به تأخیری که در فرستادن خاویار به مصر پیش آمده، از فردی به نام مراد محسن پاشا هم یاد شده است تا پس از این قوطی‌های خاویار توسط وی به مقصد حمل شود:

نمره ۸۴۹ - ۲۲/۹/۲۳ محرمانه وزارت دربار شاهنشاهی  
جناب آقای جم در تاریخ ۱۳ دسامبر [۲۳ آذر] تلگرافاً اطلاع می دهد که تا امروز خاویار برای



علیاحضرت ملکه نازلی نرسیده و ضمناً تقاضا کرده‌اند خاویار همیشه توسط مراد محسن پاشا فرستاده شود. از دفتر به آقای جم پاسخ داده شد خاویار بعد از این توسط مراد محسن پاشا ارسال خواهد شد و یک بسته خاویار هم توسط سفارت شاهنشاهی در ۱۵ آذر به وسیله هواپیمای انگلیسی فرستاده شده است. این پاسخ در نتیجه مذاکره تلفنی به سفارت مخابره گردید. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

### شمس پهلوی

خواهر بزرگ محمدرضا شاه دیگر مسافر پر تردد دربار پهلوی در این سالهاست. وی هنگام ترک پدرش که دیگر امیدی به بازگشتش نمی‌رفت، همراه پدر بود. رضاشاه چندی در جزیره موریس ماند. شمس هم مدتی را با او در آنجا گذراند. تا اینکه به تهران بازگشت. پس از آن بی‌توجه به اوضاع جاری داخلی ایران و حوادثی که در سطح جهانی رخ می‌داد، هر از چند گاه یک بار سفر خارج از ایران را در پیش می‌گرفت که جز تحمیل هزینه‌های گزاف و غیرضروری سودی به دربار و خزانه کشور نمی‌بخشید.

۶۵ گاه بی‌توجهی او به حوادث پیرامونی خود چنان شدت می‌یافت که شگفتی و ستوه بیگانگان را نیز برمی‌انگیخت؛ سرکلارمونت اسکراین<sup>۶</sup> از افسران سیاسی هند که می‌بیند در اوضاع وحشت‌بار جنگ دوم جهانی شاهزاده ایرانی چه اجناسی را برای خرید درخواست می‌کند تعجب کرده، می‌نویسد:

شاهزاده خانم بزرگ [شمس] نیز سفارش کرده بود که یک اتومبیل اسپورت دو نفره برایش بخرم و می‌گفت: نوعش مهم نیست. فقط کورسی باشد و خوش‌رنگ، هر طور که می‌پسندید. ولی پاسخ سربالای من دربارهٔ اینکه زمان جنگ است و زیردربایهای آلمانی ممکن است نگذاشته باشند اتومبیل کورسی دو نفره خوش‌رنگ به اتومبیل فروشیهای بمبئی برسد او را قانع نمی‌کرد... یک جریان ناراحت‌کننده دیگر نیز موقعی پیش آمد که من شاهدخت بزرگ را به دیدن اتومبیل کورسی دونفره‌اش بردم. این اتومبیل را در کنار یکی از سه کادیلاک بزرگی که شاه از ایران با خودش آورده بود پارک کرده بودم. ولی شاهزاده خانم با دیدن این اتومبیل از این که آخرین مدل نبود و مزیت چشمگیری نداشت خوشش نیامد و با قیافه‌ای اخم‌آلود و صدای بلند به من گفت: این چیه؟ زیرا علاوه بر اینکه رنگ قرمز توت‌فرنگی آن از رنگهای مورد علاقه شاهدخت نبود او دوست نداشت که طول اتومبیل چند فوتی درازتر باشد.<sup>۷</sup>

سختی مسافرت در سال ۱۳۲۲ش/ ۱۹۴۴-۱۹۴۳م طوری بود که گاه انجام آن با هواپیمای داخلی ممکن نبود و اعضای دربار با هواپیماهای خارجی، بیشتر انگلیسی، به سفر می‌رفتند:



مهرداد پهلبد و شمس پهلوی

از بغداد ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی  
 قبلاً برای جا جهت والاحضرت شهدخت اقدام شده بود در هواپیمای ایران تدارک چهار  
 جا ممکن نبود. در هواپیمای انگلیسی تهیه شده است. قرار است که حرکت فرمایند. نوری  
 اسفندیاری نمره ۸ - ۲۲/۱/۴  
 گاه نیز برای ادامه مسافرت، سفارتخانه ایران در کشور مقابل مجبور و مأمور می شد با شرکت  
 دیگری گفت و گو کرده، مقدمات آن را فراهم آورد:  
 سفارت کبرای ایران - قاهره ۱۳۲۲/۱/۲۱ بر حسب فرمان مطاع مبارک ملوکانه ابلاغ می شود  
 برای مراجعت والاحضرت شهدخت از آفریقای جنوبی به نظر می رسد که اگر مستقیماً با  
 کمپانی هواپیمایی آفریقای جنوبی مذاکره شود شاید در هواپیمای مزبور جا پیدا شود.  
 در صورتی که چنین اقداماتی مؤثر نمی افتاد قطار به عنوان وسیله مطمئن و قابل دسترس، ادامه  
 راه را به عهده می گرفت: «از قاهره ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی والاحضرت شهدخت  
 شمس عفت خانم و فاصل امروز با راه آهن حرکت کرده اند. نمره ۱۰۲ - ۱۳۲۲/۲/۱»  
 برخی مواقع هم به سبب موقعیت جنگی چنین امری میسر نمی شد و خرید اشیایی که  
 سفارش داده شده بود ملغی می شد:

محرمانه سرکنسولگری شاهنشاهی در هندوستان

با ملاحظه شماره ۶۰ راجع به سفارش تخمه یاقوت و سافیر از طرف والاحضرت شهدخت

شمس پهلوی اشعار می‌شود چون به طوری که اشعار داشته‌اند صدور سنگهای قیمتی از هندوستان ممنوع و محتاج به تحصیل اجازه مخصوص می‌باشد و به علاوه بهای آن هم فوق‌العاده گزاف و با اوضاع آشفته دنیا این قبیل خریدهای غیر ضروری مصلحت نیست. بنابراین از این سفارش فعلاً انصراف حاصل فرمودند. رونوشت برای اطلاع ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال می‌شود. امضا وزیر دربار شاهنشاهی نمره ۲۸۰۶ - ۱۳۲۲/۶/۷

البته در این میان گاه شمس پهلوی جنسی را که برایش تهیه شده بود، نمی‌پسندید و دستور می‌داد آن را بازگردانند. «رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره ۱۳۲۲/۴/۱۹ - والاحضرت شاهدخت شمس می‌فرماید لباس سیاه تحویلی توسط خیاطخانه را نمی‌پسندند. قبول نفرماید و طبق مدلی که قبلاً خودشان انتخاب فرموده بودند تهیه نماید. امضا وزیر دربار شاهنشاهی»

تحمل چنین سختیها و به جان خریدن خطرات بزرگی که هر لحظه در آن شرایط بحرانی جهان احتمال وقوع داشت، آن هم تنها برای تهیه و تدارک لوازم غیر ضروری شگفتی هر کسی را برمی‌انگیزاند. اگر میزان و مقدار توان و زمانی را که سفارتخانه‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط در این باره صرف کرده‌اند در نظر آوریم بی‌تردید بر این تحیر و شگفتی افزوده خواهد شد. جالب اینجاست که با همه این اوصاف، گاه سفارتخانه ایران به سبب آنکه لوازم خریداری شده دیر به مقصد رسیده یا در ارسال آن تعللی پیش آمده، ملزم بود که به سئوالات و تغییرات شاهزاده نیز پاسخگو باشد: «شماره ۱۶۱۸ - ۱۳۲۲/۴/۱ رمز [به] جناب آقای جم سفیر کبیر - قاهره - والاحضرت شاهدخت شمس از تأخیری که در حمل جامه‌دانه‌های ایشان حاصل شده متغیر می‌باشند و می‌فرمایند با اینکه جامه‌دانه‌های دیگران با طیاره حمل [می‌شود] و به تهران می‌رسد چگونه است در ارسال ملبوس ایشان خودداری شده. در این خصوص تسریع و نتیجه [را] تلگراف کنید».

امضا وزیر دربار شاهنشاهی»

محمود جم نیز پس از بررسی و جست و جو، علت تأخیر در ارسال سفارش یادشده را ذکر می‌کند:

از قاهره جناب آقای وزیر بی‌نهایت متأسف [هستم] تأخیر از طرف هواپیما شده است زیرا جامه‌دان لباس والاحضرت شاهدخت ۳۰ مه تحویل شده، حمل نگردیده است. اعتراض شدید کردم قرار شد با هواپیمای ۲۸ ژوئن جامه‌دان نامبرده و پارچه موضوع تلگراف ۱۶۳۷/۵۸ و یک دست لباسی که خیاطی واصل امشب فرستاده حمل شود. خواهشمند است وصول را تلگرافاً اعلام فرمائید.

جم

شمس در خرید و سفارش البسه، سنگهای قیمتی و دیگر اجناس موردنظرش دقت و توجه به خرج می‌داد و بدون در نظر گرفتن جوانب امر، به اجزای سفارتخانه تأکید می‌نمود که بهترین

آنها را تهیه کنند. در این باره بجاست به چند تلگراف رمزی که در طول همین سال (۱۳۲۲ش) مخابره شده توجه کنیم:

شماره ۱۵۴۳/۵۴ - ۱۳۲۲/۳/۲۳ رمز - ژنرال کنسولگری شاهنشاهی در دهلی نو  
والاحضرت شاهدخت شمس می فرمایند آیا یاقوت کابوشن و سافیر به فروش رسیده است یا خیر. چنانچه موجود باشد یاقوت و سافیر کابوشن را خریداری نمائید. تخمه‌های بهتری اگر یافت شود رجحان خواهد داشت. نتیجه [را تلگراف کنید] تا وجه حواله شود.  
امضا وزیر دربار شاهنشاهی

شماره ۱۶۳۷/۸۵ - ۱۳۲۲/۳/۲۹ رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره  
والاحضرت شمس می فرمایند سه نگینی را که والاحضرت اشرف برای ایشان همراه دارند گرفته و به جوهری بدهید، که سه انگشتر به اشکال مختلف (ناخوانا) با eyonture بسازند و انگشترها را یا همراه والاحضرت ارسال [کنید] و یا اینکه بعداً به وسیله مطمئنی فرستید.

امضا وزیر دربار شاهنشاهی

علاوه بر البسه و سنگهای قیمتی و زینتی، آلات و نتهای موسیقی، فیلم و لوازم عکاسی و اتومبیل از دیگر اجناسی است که در این سال شمس پهلوی سفارش داد آنها را تهیه و به تهران ارسال کنند.<sup>۸</sup> ناگفته نماند که او در برخی مواقع هم به امور خیریه و عام‌المنفعه توجه می نمود و برای بیمارستان اطفال لوازم جراحی سفارش می کرد که سفارتخانه ایران در مصر خریده، به تهران بفرستد. جم سفیر کبیر ایران در آن کشور در اواخر دیماه ۱۳۲۲ در تلگراف نامه‌ای از رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی می خواهد مبالغی را که برای خرید و ارسال لوازم یادشده پرداخته است حواله نماید:

از قاهره جناب آقای شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

یکم خواهشمند است به جناب آقای سپهبد احمدی ابلاغ فرمائید دو بیست و چهل لیره مصری بهاء لوازم جراحی بیمارستان اطفال والاحضرت شمس و حمل آن را فوراً حواله نمائید. دوم وصول جهاز کلی لوازم اصطیل دربار و شکلات والاحضرت شمس را که با هواپیما دیروز فرستاده شد تلگرافاً اطلاع بدهند.  
جم

از دیگر لوازم سفارش شده رنگ مو است که شمس از دفتر مخصوص شاهنشاهی خواسته هر چه زودتر آن را تهیه کند. دفتر مزبور نیز که ریاست آن با حسین شکوه بود تلگراف زیر را به سفیر کبیر ایران در قاهره مخابره کرده از او می خواهد اوامر شاهزاده را مجری دارد.

۱۳۲۲/۱۱/۲۴ به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره رمز شود

بر حسب فرمایش والاحضرت شاهدخت شمس قدغن فرمائید مقداری رنگ سیاه برای مو از هر جا ممکن است در قاهره یا اسکندریه تهیه [کنید] و به فوریت بفرستید. ارسال آن را

### تلگراف فرمائید.

لیکن در برخی موارد نیز پیش می‌آمد که مورد درخواستی پیدا نمی‌شد. از جمله همین رنگ مویی که جم در پاسخ درخواست بالا نوشت: «از قاهره ۱۳ مارس ۴۴ [۲۳ اسفند ۱۳۲۲] - جناب آقای شکوه رنگ مو به هیچ‌وجه پیدا نمی‌شود. جامه‌دان به زحمت امروز فرستاده شد. جم در این میان گاه پیش می‌آمد که برای حصول اطمینان و اعتماد از بابت اینکه لوازم ارسالی سالم به مقصد می‌رسد یا نه، افرادی معین می‌شدند تا آنها را با خود به تهران ببرند. به سخنی دیگر درباریان به هر کسی اعتماد نمی‌کردند و لوازم خریداری شده را به دست هر شخصی نمی‌سپردند. در این باره چند سندی موجود است که در آنها از دکتر مشرف نفیسی نام به میان آمده تا او آن لوازم و اجناس خریداری شده برای شمس پهلوی را با خود از قاهره به تهران بیاورد. شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی پس از دریافت تلگراف جم در ۳۱ اوت ۱۹۴۳/۱۰ شهریور ۱۳۲۲ مبنی بر اینکه مرسوله به دکتر مشرف نفیسی تحویل داده شود به منظور اطمینان بخشی به شمس پهلوی می‌نویسد:

۱۳۲۲/۶/۱۲ پیشگاه و الاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

سفارت کبرای شاهنشاهی در ضمن تلگرافی که از قاهره به دفتر مخصوص مخابره نموده تقاضا کرده‌اند به عرض برسانم که سه انگشتر و الاحضرت به توسط دکتر مشرف نفیسی فرستاده شد. دکتر هم روز ششم سپتامبر [۶ شهریور] از فلسطین با هواپیما به تهران حرکت خواهد نمود.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

شایان ذکر است که دکتر حسن مشرف نفیسی که برای انتقال اشیای خریداری شده شمس فرد مطمئن و معتمدی شناخته شده، فرزند میرزا علی اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی است که در این اوان تازه از وزارت راه استعفا کرده منتظر شغل بعدی بود.<sup>۹</sup>

از جمله سفارشهای جالب توجه شمس پهلوی به سفارت ایران در قاهره تهیه ۱۴ جفت کفش است که از جم سفیر ایران در آن جا می‌خواهد این کفشها را از کفاشی به نام بارواس که احتمالاً کفاش بنام در قاهره بوده، تهیه کرده هر چه زودتر به تهران بفرستد. او در نامه خود جنس، رنگ و چگونگی کفشها را هم بیان نموده، از سفیر می‌خواهد که سفارشها به ترتیب یادشده دوخته شود:

به بارواس کفاش دستور دهید چهارده جفت کفش به ترتیب زیر هر چه زودتر تهیه نموده، به تهران بفرستد. دو جفت کفش بعد از ظهر که بیشتر آنها دو تخته پاشنه بلند و بقیه پاشنه ساده بلند بوده و به خصوص دو جفت آنها سفید باشد (جنس و رنگ بقیه را خودش انتخاب کند) دیگر چهار جفت اسپرت Sport پاشنه پر خیلی قشنگ به سلیقه خودش.

نامه بالا و چند نامه دیگر که عمدتاً به محمود جم نوشته می‌شد بیان کننده این نکته است که سفارت ایران در قاهره توسط تعدادی از فروشگاهها و کارگاههای شخصی و بنام، لوازم و وسایلی

## مختصرنامه مطالعات تاریخی

را که چند تن از زنان درباری از جمله شمس و اشرف پهلوی سفارش می‌دادند تهیه می‌کرد و به تهران می‌فرستاد. کفاش بارواس که در نامه بالا بدو اشاره رفته و خیاط واصل (واسل) که در چند نامه دیگر شمس خواسته است لباسهایی را برایش بدوزد از جمله همین کارگاهها یا صاحبان مشاغل است که سفیر ایران در قاهره به آنان مراجعه و آنچه را که شاهزاده‌های ایرانی می‌خواستند از آنان تهیه می‌کرد:

۱۳۲۲/۱۱/۲۲ به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره رمز شود

والاحضرت شاهدخت شمس می‌فرمایند واسل خیاط لباسهای ایشان را خیلی به تأخیر انداخته این طور کفشهایی که به بارباس سفارش فرموده‌اند هنوز نرسیده است. قدغن فرمائید لباس و کفش را از آنها مطالبه و زودتر ارسال دارند که مورد احتیاج است.

جم نیز در پاسخ به تأخیری که در ارسال لباسها پیش آمده اقدامات لازم را انجام داده، خطاب به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشت: «از قاهره ۲۱ فوریه ۱۹۴۴ [۳ اسفند ۱۳۲۲] جناب آقای شکوه - تهران لباسهای دریافتی از واصل متعلق به والاحضرت شمس به علاوه یک بسته کوچک رنگ سر به عنوان جناب آقای علاء ۲۱ فوریه فرستاده شد. جم»

چنانکه همه اسناد و تلگراف‌نامه‌های موجود اذعان می‌دارند در بیشتر موارد و مواقع شاهزاده‌ها سفارش تهیه و خرید اشیای متنوع و مختلفی را به دفتر مخصوص شاهنشاهی در تهران یا سفارتخانه‌های متعدد در کشورهای دیگر از جمله سفارت کبرای ایران در قاهره در همین سال (۱۳۲۲ش/۱۹۴۴-۱۹۴۳م) می‌دادند. به گونه‌ای که دفاتر مخصوص یا سفارتخانه‌های طرف سفارش مأمور و ملزم به انجام اوامر صادره بودند و آنچه را که خواسته می‌شد به تهران ارسال می‌کردند. در این میان گاه مأموریت دیگری را هم می‌پذیرفتند. به طوری که می‌توان گفت عکس مأموریت‌های یادشده را انجام می‌دادند. به سخن دیگر از جانب شاهزاده درباری مأموریت می‌یافتند اجناسی را که معلوم نبود از آن شخص است یا به خزانه دولت، دربار و یا بیت‌المال عمومی تعلق دارد در همان کشور خارجی به فروش برسانند.

این چنین مواردی علاوه بر آنکه شگفتی آدمی را با توجه به اوضاع جهانی و داخلی ایران برمی‌انگیزاند مقام سفارتخانه و دفاتر مخصوص را تا حد یک بنگاه معاملاتی و صرافی - که البته هر کدام از آنها متناسب با جایگاه و وظایفی که در عرصه اقتصاد و تولید کشور نقش و تأثیر مهم و بسزایی بر عهده دارند - تنزل می‌بخشد. چند نامه و تلگرافی که در پی گزارش می‌شود، مربوط به همین موضوع است. به این شرح که در اواخر همین سال، به سفارش شمس پهلوی انگشتر برلیانی را که از آن با عنوان «برلیان بزرگ» یاد می‌گردد، محمود جم مأموریت یافت آن را در قاهره به فروش برساند. او نیز پس از انجام مأموریت محوله دفتر مخصوص را به شرح زیر آگاه می‌سازد:

### از قاهره جناب آقای شکوه

والاحضرت شمس برلیان بزرگ را دو هزار و سیصد و پنجاه لیره فروخته به آقای پناه ایزدی داده، خواهشمند است هم ارز ریالی دو هزار و ششصد و پنجاه لیره مصری و بقیه را به حساب ایشان [در] بانک شاهنشاهی تهران بپردازید. سایر جواهرات هنوز [به] فروش نرفته. جم

از فحوای نامه جم به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و پاسخی که از ریاست آن دفتر دریافتی، چنین برمی آید مبلغی از پولی که از فروش این برلیان بزرگ به شخصی به نام پناه ایزدی داده شده؛ در بابت طلبی بوده که او از شمس پهلوی داشته است. بقیه نیز باید به حساب شخصی شمس واریز می شد. هر چند در پاسخ به نامه حسین شکوه (رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی) که در ادامه نقل می شود، شمس نسبت به قیمتی که جم برلیان مزبور را فروخته است اعتراض نموده، معتقد است که آن را ارزان فروخته است: «به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره رمز شود تلگراف شماره ۶۵۳ به عرض پیشگاه والاحضرت شاهدخت شمس رسید، مقرر فرمودند برلیان بزرگ ارزان فروخته شده و منظور از تلگراف شماره ۱۰۲۳ این بود که سعی بفرمایید به قیمت واقعی بفروش برسید. برای پرداخت بقیه طلب آقای پناهی هم وجهی موجود نیست. از سایر جواهرات مقداری که لازم باشد به فروش برسانید و بقیه طلب را بپردازید. اما البته اهتمام خواهید فرمود که ارزان فروخته نشود.»

۷۱

شمس پهلوی به همراه برلیان بزرگی که جم موفق شده بود آن را در قاهره به فروش برساند، جواهرات دیگری را هم از طریق دفتر مخصوص شاه در اختیار او قرار داده بود تا آنها را هم بفروشد. اما در این سال جم تنها توانست برای همین برلیان خریدار پیدا کند و بقیه را در جهت درخواست شمس که گفته بود اگر وسایل مطمئن وجود دارد آنها را به ژوهانسبورگ - برای پدرش رضاشاه - ارسال کند اقدام کرد: تلگراف رمزی زیر که از سوی شکوه خطاب به جم در قاهره مخابره شده علاوه بر اشعار بر مطلب فوق، همین نکته را هم دربر می گیرد که شمس بیشتر به سفارتخانه انگلیس اعتماد داشته، خواسته است این امر به واسطه آن سفارت انجام پذیرد: ۱۳۲۲/۱۲/۴ به سفارت شاهنشاهی در قاهره رمز شود

بر حسب فرمایش والاحضرت شاهدخت شمس ابلاغ می شود برلیان بزرگ را لازم نیست به ایران ارسال فرمائید. به جُهانسبورگ [ژوهانسبورگ] حضور اعلیحضرت پهلوی بفرستید و به وسیله سفارت انگلیس. هرگاه مصلحت می دانید یا به وسیله مطمئن دیگری که خودتان تعیین خواهید فرمود. نتیجه اقدام را هم تلگراف فرمائید.

او پس از گذشت چند روز که از نتیجه اقدامات انجام شده در این باره آگاهی نمی یابد، از تصمیم خود منصرف گشته دستور داد که اگر تا آن زمان الماس یاد شده به نزد پدرش فرستاده نشده است آن را به خود او بازگرداند.

۱۳۲۲/۱۲/۲۰ به سفارت شاهنشاهی در قاهره رمز بشود

پیرو شماره ۱۱۵۵ بر حسب فرمایش والا حضرت شاهدخت شمس (ناخوانا) می‌دهد معلوم فرمایند الماس بزرگ به جهانسبورگ فرستاده شده است یا خیر. اگر فرستاده نشده وسیله مطمئنی برای فرستادن پیدا بشود. البته آن را به جهانسبورگ ارسال فرمائید والا به تهران ارسال فرمائید. جم نیز که نتوانست وسیله مطمئنی برای ارسال آن به ژوهانسبورگ پیدا کند، به آخرین دستور وی عمل کرد: «از قاهره ۱۳ مارس ۴۴ [۲۳ اسفند ۱۳۲۲] جناب آقای شکوه وسیله مطمئنی برای فرستادن انگشتر به آفریقای جنوبی پیدا نشده به طهران فرستاده می‌شود. جم»

### اشرف پهلوی

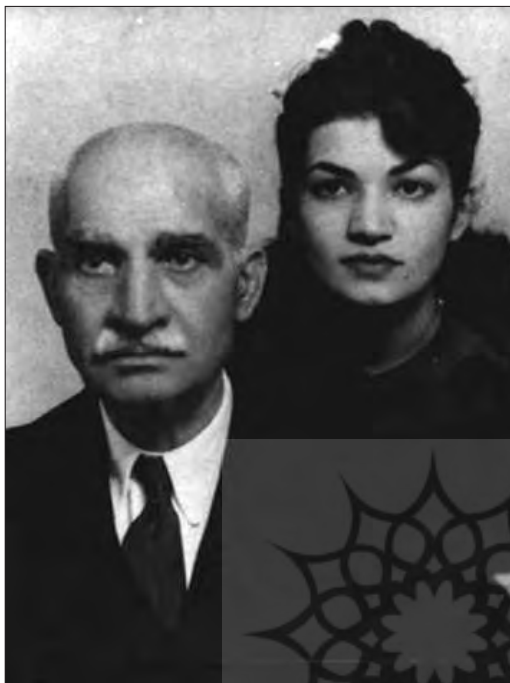
(خواهر توأمان محمدرضا شاه) که همچون خواهرش (شمس) نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور که در آن سالها تحت اشغال نیروهای متفقین گلوگیر شده دود و آتش جنگ جهانی هویش را نفس گیر کرده بود، بهانه‌ای در دست گرفت که به سفر خارج از ایران برود؛ او و هوشنگ تیمورتاش (پسر عبدالحسین) با هم قرار ازدواج گذاشته بودند اما چنین نشد و هوشنگ به دنبال زندگی خود رفت.

۷۲

در این هنگام «در احساس خلأ خود فرو رفتم. تصمیم گرفتم ایران را ترک کنم و به دیدار پدرم در آفریقای جنوبی بروم. این سفر سرنوشت‌ساز بود. سفری که مرا به دنیای خارج از ایران، به سایر کشورهای جنگ‌زده جهان، رهنمون کرد.»<sup>۱۱</sup> اشرف در خاطراتی که از خود به جا نهاده، به چگونگی مراحل و منازل سفرش پرداخته است. گاه از مصر و گاه از میزان علاقه ملک فاروق و یا احمد شفیق (پسر وزیر دربار مصر که بعدها به عقد هم درآمدند) سخن می‌گوید.<sup>۱۱</sup>

برخی زمانها هم از برخورد با ملل گونه‌گونی که در طول سفرش با آنان معاشرت کرده، خاطراتی را به قلم آورده است. او در ژوهانسبورگ به دیدار پدرش شتافت، مدتی با هم بودند و در ضمن صحبت درباره موضوعات متعدد و مختلف، پدر را از اخبار مربوط به وطن آگاه می‌ساخت. «در آن احوال نگران اوضاع ایران و برادرم بودیم و پدر، علیرضا و من دور رادیو جمع می‌شدیم تا به رادیو بی‌بی‌سی گوش کنیم، کاری که قبلاً هم بارها و بارها کرده بودیم، این ایستگاه تنها منبع خبری ما بود. زیرا تلگرامها را سانسور می‌کردند و روزنامه‌ها هم چند هفته طول می‌کشید که به دست ما برسد.»<sup>۱۲</sup> چند روزی گذشت، تا اینکه به توصیه و خواست رضاشاه، که برادرش را در این اوضاع خطرناک در تهران تنها نگذارد و به ایران بازگردد.<sup>۱۳</sup> اشرف هم، آهنگ وطن کرد. در طول راه بازگشت نیز با مشکلات و خطرات متعددی که بیشتر زائیده طبیعی و قهری جنگ جهانی بوده، برمی‌خورد. «ناخدا از روی لطف کابین خود را در اختیار من گذاشت و هر کاری که از دستش برمی‌آمد





اشرف و رضاشاه

در حکم انجام داد، که در کشتی او که پر از ملوان و مهمات جنگی بود احساس راحتی نکنم. از آنجا که ما مهمات حمل می کردیم، جو کشتی سفت و سخت بود. جاشوها آرام و گوش به فرمان بودند. هیچ کس نمی دانست که به مقصدمان می رسیم یا نه.<sup>۱۴</sup> سرانجام با یاری و تدابیر سفارتخانه ها و ادارات مسئول توانست از خطرات احتمالی سفر در دنیای در حال جنگ برهد و پا بر زمین تهران بنهد.

افزون بر صفحات کتاب خاطرات اشرف پهلوی که بر این خطرات وحشتناک پرداخته است گزارشهای متعددی هم از آن سالهای مسافرت اشرف به چند کشور خارجی موجود است که برخی از سفیران ایران در خارج از کشور تهیه کرده، ضمن پرداختن به

اوضاع آشفته و آتشین جهانی، کوشیده اند بر اساس دستورات و مأموریت هایی که دریافت می کردند، مقدمات سفر وابستگان دربار ایران را در آن شرایطی که حمل و نقل در اختیار جنگ بود، فراهم کنند. در این باره سواد دو گزارشی در دست است که سیدحسن تقی زاده (وزیرمختار ایران در انگلستان در خلال سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۰ ش)<sup>۱۵</sup> خطاب به حسین علاء (وزیر دربار) نوشته است. هر دو نوشته ضمن آنکه اشاره ای به خطرات احتمالی مسافرت در هنگامه جنگ جهانی دارد، این مسئله را هم به ذهن تداعی می کند که برای انجام چنین سفرهای نه چندان ضروری، چه میزان از توان و زمان سفارتخانه ها و وزارتخانه های متعدد را به کار گرفته، چه تعداد از افراد عالیرتبه و اجزای وابسته، در تأمین امنیت مسیر سفر شاهزاده ای به امور غیر مفید درگیر شده اند. این در صورتی است که جهان در میان شعله های جنگ می سوخت و سفارتخانه ها و اجزای آن باید به وظایف و امور مهمتر و حیاتی می پرداختند. در اینجا ابتدا نامه تقی زاده را گزارش می کنیم که در ۵ فروردین ۱۳۲۲ نوشته است.

یادآوری این نکته هم لازم است که در این زمان اشرف پهلوی در قاهره به سر می برده، در نظر داشته است از آنجا به ژوهانسبورگ (در آفریقای جنوبی) رفته، پس از انجام دیدار با رضاشاه،

دوباره به قاهره بازگردد:

از لندن جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی

در تعقیب اقدامات و مذاکرات بنده اینک وزارت امور خارجه مراسله راجع به مسافرت والا حضرت اشرف پهلوی به آمریکای جنوبی نوشته می‌گویند ما حاضریم تهیه مسافرت با هواپیما را از قاهره تا آنجا داده کمال سعی را خواهیم کرد ترتیب عودت ایشان را از دربان به مصر بدهیم. و می‌نویسند در نتیجه بازجویی جدیدی که در این باب کردیم معلوم شده است هر ماهه معمولاً بیش از یک کشتی از دربان به دریای سرخ می‌رود. در هر حال اقل یک کشتی در ماه خواهد آمد و دولت انگلیس به اعلی درجه مایل است هر کمکی که مقدور باشد در این باب بکند. ولی بدبختانه عودت از هوا غیرممکن است.

۵ فروردین [۱۳۲۲] تقی‌زاده وزیر مختار

از آنجا که کشور و دولت انگلیس یکی از طرفین اصلی در جنگ جهانی بود و سفارتخانه ایران در لندن همچون دیگر سفارتخانه‌های فعال در خاک آن کشور، ناگزیر بوده‌اند که به مسائل مربوطه پرداخته، اموری را که از تهران به آنجا محول می‌شود، پیگیری نمایند. از این رو فردای همان روز حسین علاء نتیجه اقدامات تقی‌زاده و چگونگی همکاری دولت انگلیس با وی را به جم (سفیر ایران در مصر) خبر داد تا او نیز اشرف پهلوی را در جریان آن قرار دهد. به هر روی اشرف در ۱۷ آوریل ۱۹۴۳/۲۹ فروردین ۱۳۲۲ به ژوهانسبورگ رفت تا از پدرش رضا پهلوی دیدن کند که جریان آن در نامه جم خطاب به حسین شکوه (رئیس دفتر مخصوص شاه) که در سوم اردیبهشت همان سال فرستاده، بیان شده است.

۷۴

دفتر مخصوص شاهنشاهی به طوری که طی تلگراف شماره ۵۲ به عرض رسید والا حضرت اشرف پهلوی در هفدهم آوریل ساعت هشت و نیم صبح با طیاره انگلیسی به جهانسبورگ برای زیارت اعلیحضرت پهلوی پرواز نمودند. آقای محمد احتشام دبیر دوم سفارت کبری و مهری خانم (جوهر شه دوست) هم در رکاب [او] حرکت کردند. آقای تیمور بیک از طرف اعلی حضرت ملک [فاروق] در ایستگاه هواپیمایی حاضر [شده] و سفریخیر گفتند. از طرف سفارت انگلیس و نماینده وزارت هواپیمایی انگلیس در قاهره برای ترتیب این مسافرت طولانی نهایت مساعدت و همراهی به عمل آمد و به خواهش اینجانب لرد لامبسون سفیر کبیر انگلیس به استاندار سودان و به مارشال اسموش و لورد هنکلی حاکم آفریقای جنوبی تلگراف نموده بود که در تسهیل مسافرت والا حضرت نهایت مساعدت و توجه را به عمل آورند. نایب‌السلطنه سودان والا حضرت را در [خارطوم] که منزل اول بود در قصر دولتی پذیرایی نموده، نهایت همراهی را کرده بودند. والا حضرت توسط کارت پستالی که به فدوی نوشته‌اند اظهار رضایت کرده بودند.

کاغذی هم به علیاحضرت فریده و پیشگاه علیاحضرت ملکه [فوزیه] نوشته‌اند که لفاً تقدیم می‌گردد و چون قبل از حرکت ایشان وجهی نرسیده بود ترتیب مصارف مسافرت را سفارت داده، وجه لازم خدمتشان تقدیم گردید که معطل نباشند. کتباً و کالتی بندوقی مرحمت کردند که اگر وجهی از تهران برسد، گرفته قروضی را که دارند پرداخته و بعضی خریده‌ها که امر فرموده‌اند برای ایشان بنمایم. امروز از وزارت دربار تلگرافی رسید که سرکار سرهنگ محوی مبلغ پنج هزار لیره حواله کرده‌اند هنوز نرسیده. همین که وجه رسیده وصول کرده، مطابق دستوری که والاحضرت داده‌اند رفتار خواهد شد.

#### سفیر کبیر محمود جم

به طوری که اشرف در خاطراتش اشاره کرده، پس از چند روز دیدار با پدرش، به توصیه همو نیز، ژوهانسبورگ را ترک کرد «بلافاصله به اتاق مطالعه، که پدرم در آنجا منتظر بود، رفتم. پدرم پرسید: یادت هست وقتی که از من خواهش کردی همراه من به اینجا بیایی چی گفتم؟ برادرت در آن هنگام به تو احتیاج داشت و بر پایه حرفهایی که از خود تو و منابع دیگر شنیده‌ام، فکر می‌کنم صلاح نیست خیلی از ایران دور باشی. خیلی دلم می‌خواهد تو را اینجا پیش خودم نگه دارم، اما الان مسافرت کار سختی است و به نظرم باید کم کم دنبال وسیله‌ای باشم که تو را دوباره به ایران بفرستیم.»<sup>۱۶</sup>

۷۵

وی در ادامه ضمن اشاره و اقرار به سختی مسافرت در این اوان یادآور شده است که برای عمل به توصیه پدرش، تلاش زیادی صورت گرفت: «برنامه‌ام این بود که لااقل چند ماه پیش پدرم بمانم، اما با او موافق بودم که در قبال برادرم مسئولیت دارم. پیدا کردن وسیله‌ای که مرا به ایران برگرداندن حتی مشکل‌تر از گیر آوردن هواپیمایی بود که مرا به اینجا آورد. از آنجا که دامنه جنگ به ژاپن و اقیانوس آرام نیز گسترش یافته بود، راههای دریایی و هوایی هر دو مخاطره‌آمیز بودند. هر روز برادرم علیرضا و منشی پدرم به ژوهانسبورگ می‌رفتند و از آژانسهای عمومی و خصوصی مختلف پرس و جو می‌کردند و بدون نتیجه برمی‌گشتند.»<sup>۱۷</sup>

در این میان انگلیسیها که هنگام سفر او به آفریقای جنوبی، سفارت ایران را مطمئن کرده بودند که وسایل برگشت وی را نیز فراهم خواهند کرد کاری از پیش نبردند و از تدارک مقدمات بازگشت اشرف پهلوی از ژوهانسبورگ به قاهره بازماندند. در این باره سفارت ایران در قاهره مأموریت یافت که علاوه بر یادآوری تعهدات پیشین به انگلیسیها، وسیله مراجعت اشرف را مهیا سازد:

خیلی فوری رمز - جناب آقای جم سفیر کبیر شاهنشاهی - قاهره

والاحضرت اشرف تلگراف فرموده‌اند که وسایل مراجعت ایشان از ژوهانسبورگ فراهم نیست. مقرر فرمودند از مقامات انگلیسی تحقیق فرمائید که چگونه با وعده‌های قبلی که وعده داده بودند وسایل را در اختیار ایشان نگذارده‌اند و این مسئله موجب تکدر شدید خاطر مبارک

گردیده است. نتیجه اقدامات را فوری [تلگراف نمائید].

محمود جم سفیر کبیر در ایران هم پس از استعلام از سفارت انگلیس در مصر و عوامل مسئول در این باره به حسین شکوه (رئیس دفتر مخصوص محمدرضا پهلوی) یادآوری کرد در شرایط حاکم بر منطقه که حمل ابزار و آلات جنگی مقدم است مسافرت با هواپیما میسر نبوده، انگلیسیها برخلاف تعهد خود نمی‌خواهند هواپیما در اختیار اشرف پهلوی بگذارند. او در ادامه نوشته‌اش راه چاره را در این دید، که پای رضاشاه را هم به میان کشیده تا به توصیه او بلکه اشرف را راضی کند از مسافرت هوایی صرف‌نظر کرده از راه دریا به قاهره بازگردد:

از قاهره ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

از سفارت انگلیس اطلاع داده‌اند به واسطه محمولات ارتش از آفریقای جنوبی با مراجعت والاحضرت اشرف با هواپیما نشده است توسط اعلیحضرت ملک و وزیر شرق میانه مجدداً اقدام ولی امیدوار نیستم. به عقیده اینجانب بهتر است اعلی حضرت همایون شاهنشاهی امر فرمایند والاحضرت با کشتی قاهره تشریف فرما شوند.

اسناد موجود حاکی از آن است که اشرف پهلوی در ۴ ژوئیه ۱۴/۱۹۴۳ تیر ۱۳۲۲ با کشتی آفریقای جنوبی را ترک کرد و به سوی مصر به راه افتاد. او در خاطراتش به همین موضوع پرداخته، نوشته است: «تقریباً شش هفته به این در و آن در زدند تا بالاخره راهی برای خروج من از آفریقا پیدا کردند... و پس از آنکه خطری را که در این سفر در کمین من بود با این احتمال که شاید وسیله نقلیه دیگری گیرم نیاید سبک و سنگین کردم، گفتم که به بندر دریایی دوربان می‌روم و منتظر کشتی می‌مانم.»<sup>۱۸</sup>

حمل و انتقال انواع لباس، انگشتر و گوشواره‌ها که اشرف در همین سال (۱۳۲۲ ش) هنگام سفر به قاهره و ژوهانسبورگ خریده بود بخشی از گزارشها و تلگرامهای انجام شده به صورت رمزی را به خود اختصاص داده است. گاه نیز پس دادن اشیای خریداری شده هم موضوع این گونه تلگرامها بود که سفیر وقت ایران در مصر به تهران مخابره یا درباره آن از ایران دریافت می‌کرد: «از قاهره ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۳ انگشتر و گوشواره‌های یاقوت کیود واصل به جواهری مسترد گردید.»

جم

گذشته از این، سفارتخانه ایران در قاهره نه تنها ناگزیر از اجرای اوامر شاهزاده دربار ایران بود بلکه گاه پیش می‌آمد که به برخی از خواسته‌های زنانی که از اجزاء و خدمتکاران اشرف پهلوی بودند عمل نماید. از جمله آنان، زنی به نام مادام مایل وارو است که در اواسط مرداد ۱۳۲۲ به همراه مادموازل هوچ به عنوان راننده اتومبیلهای متعلق به او را به تهران آوردند. درباره آن دو سفارتخانه ایران در مصر به همراه وزارت دربار و دفاتر مخصوص درباری اوامری را مجری شدند که هیچ کدام از آنها، در شأن و اندازه یا از وظایف آن سازمانها و دفاتر نبود. طرفه آنکه چند روز



اشرف پهلوی

بعد از انتقال اتومبیلهای اشرف توسط آن دو، شرکت هواپیمایی انگلیس در قاهره، جامه‌دانه‌های آنان را که باید به تهران فرستاده می‌شد، به سفارتخانه ایران در قاهره سپرد. مدتی این جامه‌دانه‌ها همراه با جامه‌دانه‌های اشرف و چند تن دیگر در سفارتخانه مزبور ماند تا اینکه جم به منظور برون‌رفت از این بلا تکلیفی از اشرف پهلوی کسب تکلیف نمود. او در ضمن این خواسته، نکته دیگری را هم به وی یادآور شد و آن پرداخت وجوهی بود که شرکتهای حمل و نقل، تجار و فروشندگان مصری از او بابت حمل اثاثیه و خریدهایش بستان بوده‌اند:

شماره ۱۳۸۵/۱۷۴/ تاریخ ۱۳۲۲/۶/۱۰ دفتر

مخصوص شاهنشاهی

تعقیب گزارش شماره ۱۲۰۲/۱۷۴ مورخه ۱۳۲۲/۵/۲۳ این سفارت به عرض می‌رساند امروز از شرکت هواپیمایی انگلیس دوازده جامه‌دان متعلق به والا حضرت اشرف و آقای محسن خان قراگوزلو را که در تاریخ اول اوت ۱۹۴۳ برای حمل به تهران تحویل شده بود به سفارت پس فرستاده‌اند که وسیله ارسال آن را ندارند. شش جامه‌دان متعلق به آقای محسن خان و شش جامه‌دان مال والا حضرت است. علاوه بر این جامه‌دانه‌ها دو جامه‌دان متعلق به مادموازل هوچ و یک جامه‌دان لباسهای مادام مایل و سیزده صندوق و جامه‌دان اسبابهای خود والا حضرت در سفارت بلا تکلیف است. در ضمن نامه شماره ۱۳۰۴/۱۷۴ مورخه ۳ شهریور ماه ۱۳۲۲ اجازه خواسته شده بود که با راه‌آهن به بغداد یا بصره توسط شرکت پلتور فرستاده شود. برای اینکه این اسبابها در سفارت نماند خواهشمندم تکلیف ارسال آنها را تلگرافاً اطلاع دهند. هواپیمایی فقط یک بسته محتوی رادیوی سفری والا حضرت اشرف را قبول کرده که دوشنبه ۱۴ شهریور به تهران حمل نماید. منتظر جواب و دستور هستم. چون شرکتهای حمل و نقل کرایه و بیمه را قبلاً مطالبه دارند. متمنی است در ارسال مطالبات و حواله وجه هم تأکید فرمایند در صورتی که فرستادن تمام وجه تأخیر داشته باشد خواهشمند است به طور علی‌الحساب چهار هزار لیره برات فرمایند تا حساب بعضی از تجارخانه‌ها که زیاد بی‌صبری می‌نمایند تصفیه گردد تا مجال تهیه باقی وجه مطابق صورتی که در ضمن گزارش شماره ۱۲۰۲ عرض داشته باشد.

سفیر کبیر، محمود جم.

در این میان پس از یکی - دو ماه معلوم گشت که جامه‌دانه‌های متعلق به مادام مایل نباید به تهران آورده می‌شد. بنابراین در اواسط آبان ماه جم بار دیگر در تلگراف رمزی زیر خطاب به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی خواست که جامه‌دانه‌های وی را با هواپیما به مصر بازگرداند:

از قاهره تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۴۳ [۱۱ آبان ۱۳۲۲] ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران  
مادام مایل وارو متمنی است جامه‌دان او را که در یازدهم اکتبر با هواپیما فرستاده شده است با  
هواپیما اعاده فرمائید. جم

قیمت اجناس و اشیای خریداری شده گزاف و گاه طوری بوده که شاهزاده اشرف پهلوی هنگام خرید از پرداخت وجوه آنها بازمانده است. یا برای خرید آنها، از افراد دیگری مبالغی را به صورت بدهی دریافت کرده، تا پس از اینکه به تهران آمد، ترتیبی دهد پولهای دریافتی را به صاحبان یا فروشندگان آنها پرداخت نماید.

در پایان این مقال تعدادی از تلگرامهایی را که در این باره میان سفارتخانه ایران در قاهره و دفتر مخصوص شاهنشاهی در تهران رد و بدل شده گزارش می‌کنیم تا ضمن وقوف از قیمت اجناس خریداری شده، چگونگی پرداخت بهای آنها، و میزان توان و زمانی را که نهادهای دولتی در آن شرایط بحرانی و آشفته کشور و جهان صرف اموری چنین دون‌پایه می‌کردند مورد توجه قرار گیرد:

از قاهره ۱۷ اکتبر ۱۹۴۳ [۲۶ مهر ۱۳۲۲] ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران  
جناب آقای وزیر دربار والاحضرت اشرف دو هزار لیره در قاهره بدهکار است. از دست طلبکار حقیقتاً مستأصل شده‌ام. متمنی است تصمیم عاجلی در این باب اتخاذ فرمائید، حساب اشخاص [تسویه] شود. جم:

رمز جناب آقای جم سفیر کبیر شاهنشاهی - قاهره  
۴۲۲ - اقدام شد والاحضرت وعده داده‌اند قریباً وجه ارسال دارند. امضا وزیر دربار  
شاهنشاهی

۱۳۲۲/۱۰/۱۱ به سفارت شاهنشاهی در قاهره رمز شود  
حساب‌المقرر هفتصد لیره برای والاحضرت اشرف [نامفهوم] خواهد شد. وجه را به ایشان تقدیم فرمائید.

۱۳۲۲/۱۰/۲۲ محرمانه ریاست اداره حسابداری دربار شاهنشاهی  
بر حسب فرمان مطاع مبارک ملوکانه به طوری که شفاهاً هم ابلاغ شد مبلغ هفتصد لیره به وسیله آقای جم سفیر کبیر ایران در قاهره حواله تلگرافی صادر فرمائید که حضور والاحضرت شاهدخت اشرف تقدیم دارند. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی  
از قاهره جناب آقای شکوه

زنان دربار در جنگ جهانی دوم

احمد نجیب جوهری ۲۶۵۶ لیره تقریباً یک سال است از والاحضرت اشرف طلب دارد. مطالبه دارد متمنی است هر چه زودتر حواله فرمائید. جم

### پانوشتها

- ۱- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران.
- ۲- معتضد، خسرو، فوزیه حکایت تلخکامی قصه جدایی، ج ۲، تهران، نشر البرز، ۷۹۳.
- ۳- همو، ۸۰۲ - ۷۹۹.

#### 4. Imedia Oreal.

۵- ورود قوای متفقین به ایران در این سالها سبب ترقی نرخ لیره و دلار شد. به طوری که هر دلار آمریکا در ۳۵ ریال تثبیت و در ۹ مهر ۱۳۲۰ به موجب تصویب نامه رسمی نرخ لیره انگلستان از ۶۸ ریال به ۱۴۰ ریال افزایش یافت. اما مردم بدان اعتراض کردند و نرخ لیره در ۱۳۰ ریال تثبیت شد. این در حالی است که در پایان بهار ۱۳۲۲ ش قیمت یک خروار گندم به ۳۰۰ تومان رسید که گاه به دو برابر آن هم خرید و فروش می شد. در همین سال به قرار ماهی پایین ترین و بالاترین حقوق را به ترتیب کارمندان دولت ۶۴۰ ریال و قضات ۱۰۰۰ ریال دریافت می کردند. (برای اطلاع بیشتر رک: پورشافعی، مجید، اقتصاد کوچک، تهران، گام نو، ۱۳۸۴ ش، صص ۲۲۶ تا ۲۳۶).

#### 6. Clarmont Percival Skrine.

۷- بولارد، رید و کلارمونت اسکراین، شسترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳ ش، ۱۵۴ و ۱۶۰.

۸- از جمله آن اسناد و تلگرافهاست: «۲۲/۱۰/۲۱ جناب آقای شکوه رئیس دفتر مخصوص خواهشمندم تلگراف زیر را از طرف خودتان به جناب آقای جم مخابره کنید. شمس جناب آقای جم مطابق قرارداد اتومبیل والاحضرت شمس روز پانزدهم ژانویه حاضر خواهد شد. نظر به احتیاج فوری والاحضرت خواهشمندم قبلاً وسایل حرکت آن را فراهم کنید.» و «از قاهره جناب آقای شکوه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی اتومبیل والاحضرت شمس با دو اتومبیل وزارت دربار ۱۷ ژانویه فرستاده می شود. دستور حمل بغداد - تهران به سفارت بغداد صادر فرمایند. دو لاستیک یدکی هم برای اتومبیل فریدون فرستاده می شود. جم» و «از قاهره ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی والاحضرت شمس لوازم عکاسی و فیلم که سابقاً سفارش داده بودید حاضر است. اگر لازم است بفرستم. جم»

۹- دولتهای ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، تهیه و تنظیم از اداره کل آرشیو اسناد و موزه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۷.

۱۰- پهلوی، اشرف، چهرههایی در یک آینه (خاطرات)، ترجمه هرمز عبداللهی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۷ ش، ۸۷ - ۸۸.

۱۱- همو، صص ۹۰ - ۸۹.

۱۲- همو، ص ۹۵.

۱۳- همو، ص ۹۶.

۱۴- همو، صص ۹۷ - ۹۶.

۱۵- سیدحسن تقی زاده از آبان ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۲ که سفارت به درجه سفارت کبری ارتقا یافت. وزیر مختار و پس از آن تا تیر ۱۳۲۶ سفیر ایران در لندن بود.

۱۶- پهلوی، همان، ص ۹۲.

۱۷- همو، صص ۹۳ - ۹۲.

۱۸- همو، صص ۹۶ - ۹۳.